



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



رحلت پیامبر (ص)  
و اشکار شدن توطنه ها

یوسف بوشهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رحلت پیامبر و آشکار شدن توطئه ها

نویسنده:

یوسف بوشهری

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رحلت پیامبر و آشکار شدن توطئه ها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	پیشگیریهای رسول خدا
۷	اعزام لشکر اسامه
۷	آخرین وصیت پیامبر
۸	سقیفه آشکار شدن توطئه‌ها
۸	تکذیب وفات پیامبر
۹	گردهمایی انصار
۹	به سوی محو وصیت پیامبر
۱۰	جزئیات رویداد
۱۰	زامداری با پنج رای موافق
۱۱	تأکید بر بیعت گیری
۱۱	خاندان پیامبر را به شور نطلبیدند
۱۱	طراحی توطئه از قبل
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## رحلت پیامبر و آشکار شدن توطئه ها

### مشخصات کتاب

عنوان: رحلت پیامبر (ص) و آشکار شدن توطئه ها  
 پدید آورندگان: بوشهری، یوسف (پدید آور)  
 پیامبر اسلام محمد (ص) (توصیف گر)  
 منشأ مقاله: ماهنامه کوثر، شماره ۲۷، خردادماه ۱۳۷۸  
 نوع: متن  
 جنس: مقاله  
 الکترونیکی  
 زبان: فارسی  
 توصیفگر: سقیفه بنی ساعده  
 مرگ  
 عصر خلافت  
 وصیت نامه  
 عصر نبوت  
 ظهور فتنه  
 وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷  
 الکترونیکی

### مقدمه

آنچه پس از رحلت رسول اکرم (ص) مدینه به وقوع پیوست این پرسش را در ذهن تداعی می‌کند که آیا رسول خدا (ص) به حوادث پس از حیات خود اطلاع نداشت؟ در آن صورت برای پیشگیری از آن رخدادهای تاسف‌آور چه تدابیری اندیشیده و مردم را تا چه حد آگاه ساخته بود؟ آنچه در این گفتار می‌خوانیم پاسخ همین پرسش و بیان رویدادهایی است که با رحلت پیامبر (ص) به وقوع پیوست.

### پیشگیریهای رسول خدا

مهمترین موضوع بیان مقام زمامداری علی (ع) بود که تا توانست بدان سفارش کرد و چه بسا همان سفارشها فرصت طلبان آن روز را به تلاش واداشت که از این کار جلوگیری کنند. گاهی گفته می‌شود کاش پیامبر (ص) بیش از این، مردم را نسبت به حق‌اهل بیت (علیهم السلام) و علی (ع) آگاه می‌ساخت. ولی در همان حد نیز رسول خدا تحت فشار قرار داشت و معمولاً هرگاه فضیلتی از علی (ع) بیان می‌فرمود برخی خرده می‌گرفتند که آیا این همه را از جانب خود می‌گویی یا فرمانی از جانب خداست؟! این خرده‌گیری‌حاکمی از آن است که از همان ایام، پذیرش زمامداری علی (ع) و اعتراف به مقام معنوی و اجتماعی او برای برخی چندان

هم آسان نبوده است. مشکل‌ترین چاره‌اندیشی‌های پیامبر (ص) برای جان‌نشین‌قرار دادن امام علی (ع) به روزگار پس از غدیر باز می‌گردد. از غدیر (۱۸ ذیحجه) تا روز رحلت آن حضرت (۲۸ صفر) هفتاد روز بیش فاصله نبود. این زمان کوتاه برای آنان که در تدارک توطئه‌ها به سر می‌بردند زمانی کافی بود تا عده‌ای را هم عقیده خویش سازند. شاید بهترین کاری که پیامبر می‌توانست انجام دهد آن بود که از این مردم کسانی را که حضور آنان در مدینه پس از وفاتش برای حکومت علی (ع) مشکل‌ساز بود، از شهر دور سازد. این کار توفیق علی (ع) را برای عهده‌داری خلافت افزون‌تر می‌ساخت و به علاوه با دورشدن مخالفان، به موجب بی‌اطلاعی آنان از اوضاع مدینه، راه‌اندازی هر توطئه و نقشه دیگر را ناممکن می‌نمود. اما چه باید کرد که پس از فرمان پیامبر (ص) بر گسیل لشکر به سوی شام، منافقان به نقشه حضرت پی بردند و بر سرپیچی از این فرمان پای فشاری کردند.

### اعزام لشکر اسامه

در ماه محرم سال یازدهم، رسول گرامی اسلام (ص) پیش از آنکه در بستر بیماری افتد مسلمانان را فرمان داد تا برای گسیل به مرزهای روم از جانب شام آماده شوند. [۱] این در حالی بود که عده‌ای از نامسلمانان نواحی جزیره العرب و مدعیان پیغمبری، در تدارک حمله به مدینه بودند و به ظاهر بیرون رفتن سپاهی بدان بزرگی، چندان موافق احتیاط نبود. با این همه رسول خدا (ص) کمترین تردیدی در گسیل نیروهایش به سوی شام نداشت. حضرت اسامه بن زید را که کمتر از ۲۰ سال داشت فرمانده این لشکر کرد و برخی از صحابه چون ابوبکر، عمر بن خطاب، ابو عبیده بن جراح و سعد بن ابی وقاص را فرمان‌آکید داد تا هرچه زودتر به فرماندهی زید جوان راهی شوند. [۲] پیامبر (ص) با دست خود پرچم فرمانده جوان را بست و به او چنین دستور داد: مسافت را آنچنان به سرعت طی کن که پیش از آنکه خبر حرکت تو به آنجا رسد خود و سربازانت به آنجا رسیده باشید. رسول اکرم (ص) صحابیانی سالخورده‌ای چون ابوبکر و... را به زیر فرمان جوانی کم‌سال به نبرد امپراتوری بزرگ روم راهی می‌سازد تا پس از این، کمی سن بهانه سرپیچی صحابه از فرمان فرد کاردار نشود. راستی چرا پیامبر (ص)، علی (ع) را همراه آنان نفرستاد؟ آیا سالخورده‌گان لشکر اسامه تجربه نظامی و شجاعت ویژه داشتند؟ در آن صورت چرا به عنوان فرمانده برگزیده نشدند؟ این سفر نزدیک به دو ماه به طول می‌انجامیده است. [۳] و رسول خدا (ص) یقین داشت روزهای آخر عمر را سپری می‌کند. با این حال به تاکید از برخی صحابه خواسته بود تا گوش به فرمان اسامه هرچه زودتر مدینه را ترک کنند. اما حرکت این سپاه، به رغم تاکید فراوان رسول خدا (ص) نخست به سبب اعتراض برخی از صحابه نسبت به جوانی اسامه، سپس به بهانه تهیه ساز و برگ سفر و سرانجام به سبب رسیدن خبر شدت یافتن بیماری پیامبر (ص) و باز گشت ابوبکر و عمر و برخی دیگر از اردوگاه جرف به مدینه، سرنگرفت. [۴] ابن ابی‌الحدید به نقل گفتار شیخ خود ابو یعقوب معتزلی در شرح خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه می‌نویسد: چون بیماری پیامبر اکرم (ص) شدت یافت دستور داد سپاه اسامه به سوی شام حرکت کند و فرمان داد ابوبکر و دیگر بزرگان مهاجرین و انصار در آن شرکت جویند. با این کیفیت اگر حادثه‌ای برای رسول خدا (ص) پیش آید دستیابی علی (ع) به خلافت از اطمینان بیشتری برخوردار خواهد بود. [۵] چون اسامه حال پیامبر را وخیم و افراد تحت امرش را سرکش دید از رسول خدا (ص) درخواست کرد به او اجازه دهد تا بعد از سلامت یافتن پیامبر از بیماری، سپاه را حرکت دهد. حضرت پیامبر موافقت نکرد و فرمود: همین حالا. اسامه دوباره عرض می‌کند آیدار حالی که قلبم از بیماری شما اندوهگین است حرکت کنیم؟ پیامبر (ص) می‌فرماید: به پیروزی فکر کن! اما کسان حاضر در پیرامون بستر رسول خدا (ص) به فرمانهای آن حضرت چندان عنایتی نداشتند و گاه فرمانهای وی را بنابر منافع و اهداف خویش تفسیر و تحریف می‌کردند. [۶].

رسول خدا (ص) با آنکه در تب شدیدی به سر می برد، با حالت خشم به مسجد آمد و ضمن نکوهش عاملان کارشکنی، متخلفان از حرکت سریع سپاه را ملعون خواند. [۷] برای پیامبر جای تردید نبود که جمعی در انتظار مرگ او و اندیشه قبض حکومت اند و برای این هدف در پی نقشه و توطئه اند. از همین رو با آگاهی از حوادثی که به انتظار مرگ حضرتش کمین کرده بود و با شناختی که از برخی اطرافیان خود داشت برای آخرین بار فرصت را غنیمت شمرد و بر آن شد تا مهمترین پیام دوران رسالت را ساده و روشن بیان و مسیر آینده حرکت اسلامی را ترسیم نماید. عمر بن خطاب ماجرای رحلت پیامبر را برای ابن عباس چنین نقل می کند: «... ما نزد پیامبر حضور داشتیم. بین ما و زنان (که فاطمه نیز در میانشان بود) پرده‌ای آویخته شده بود. رسول خدا به سخن درآمده، فرمود: نوشتن افزایش یافته و ما را برای شما چیزی بنویسم که با وجود آن هرگز گمراه نشوید. زنان پیامبر (ص) از پس پرده گفتند: خواسته پیامبر را بر آورید. من گفتم: ساکت باشید.» [۸] بخاری در صحیح خود بی آنکه نامی از عمر ببرد می نویسد: یکی از حاضران در مجلس، سخن حضرت را در حضورش رد کرد و گفت درد بر او غلبه کرده و نمی داند چه می گوید... و رو به حاضران گفت: قرآن نزد شماست و همان ما را کفایت می کند. در میان حاضران اختلاف شد و به یکدیگر پرخاش کردند. برخی سخن او را تایید می کردند و برخی سخن رسول خدا را و بدین ترتیب از نوشتن نامه جلوگیری شد. [۹] به خوبی معلوم بود که موضوع آن نوشته چه بود؛ گفتاری صریح در تعیین جانشین پیامبر. بدین ترتیب چیزی نمانده بود که اصل نبوت حضرتش مورد تردید قرار گیرد و قرآن کلام غیر الهی پنداشته شود. زیرا قرآن، فرموده آن بزرگوار رادر هر حال، برگرفته از وحی یاد کرده بود. و این گروه آن را هذیان ناشی از تب بر شمردند. راستی آیا پیامبر اسلام (ص) حق تعیین جانشین پس از خود را نداشت؟ و آیا کسی را برای این مقام برنگزید؟ چگونه است که دیگران حق انتخاب داشتند و پیامبر نداشت؟ آیا عاقلانه است که رسول خدا با تعیین نکردن جانشین، امت را به حال خود رها سازد تا هر که توانست بر جان و نوامیس مسلمانان تسلط یابد؟ آیا اصولاً جانشینی پیامبر امر الهی است که تنها با تعیین پروردگار صورت می پذیرد یا آنکه بر عهده بعضی از مردم است تا هر کسی را بر مسلمانان فرمانروا سازند؟ آیا این دیدگاه که از سوی برخی ابراز شده صحیح است که پیروی از بیانات پیامبر در مسائل سیاسی و اجتماعی بر اصحاب وی واجب نبوده است؟ پاسخ این پرسشها را باید در علم کلام جستجو کرد.

### سقیفه آشکار شدن توطئه ها

درگذشت پیامبر گروهی را در سکوت فرو برد و چنانکه حضرتش پیش بینی کرده بود جمعی را نیز به تلاشهای مرموز و مخفیانه واداشت. کسانی که از روزهای شدت یافتن بیماری پیامبر و احتمال درگذشت وی در پی این بیماری، نیاتی برای دستیابی به قدرت در دل داشتند، بی درنگ پس از شنیدن این خبر و هنگامی که هنوز علی (ع)، فضل بن عباس و تنی چند سرگرم تجهیز پیکر پاک رسول خدا (ص) برای دفن بودند، دست به کار شدند. اینان بی توجه به همه آنچه رسول اکرم (ص) فرموده بود به شور نشستند تا شاید پیروان آخرین برگزیده خدا را از بیراهه روی و بی رهبری برهاند. چه به ادعای ایشان آن حضرت رهبری برای امتش برنگزیده یا به پیروی فردی سفارش کرده که محبوبیتی در میان قوم خود نداشته و از عهده کار رهبری بر نمی آمده است.

### تکذیب وفات پیامبر

پس از رحلت پیامبر (ص) نخستین واقعه‌ای که مسلمانان با آن رو به رو شدند موضوع تکذیب وفات آن حضرت از جانب عمر بن خطاب بود. او در برابر خانه پیامبر (ص) افرادی را که می گفتند پیامبر فوت کرده است به قتل تهدید می کرد. هرچه ابن عباس و ابن مکتوم آیاتی را که حاکی از امکان مرگ پیامبر بود تلاوت می کردند مؤثر نمی افتاد. حرکات او که با نهایت شدت و قوت انجام می شد همه رابه تعجب و تردید انداخته بود و پاره‌ای پرسیدند: آیا پیامبر سخن خاصی با تو گفته یا وصیت ویژه‌ای در مورد مرگش



با تو کرده‌است؟ او جواب منفی داد. طولی نکشید که دوست او ابوبکر که در بیرون مدینه به سر می‌برد به وسیله‌ای به مدینه فرا خوانده‌شد. ابوبکر هنگامی به مسجد رسید که عمر در میان مردم، خشمناک، کسانی را که سخن از وفات پیامبر (ص) به زبان می‌آوردند، بانتساب آنان به منافقان، تهدید به قتل می‌کرد. ابوبکر با مشاهده این صحنه جامه از چهره پیامبر به سوی زد و پس از بیان چند جمله به مسجد آمد و بی‌محابا به عمر گفت: «آرام باش عمر، خاموش و سپس با استشهاد به آیه‌ای از قرآن (آیه ۳۰ سوره زمر: (انک میت و انهم میتون) (تو می‌میری و دیگران نیز می‌میرند) که قبل از او دیگران نیز تلاوت کرده بودند عمر را خاموش و وفات پیامبر را تایید کرد. این گفتگوها حتی اگر صحنه‌سازی از پیش طراحی شده نبود، تا همینجا می‌توانست مردم را به نقش ابوبکر در رهبری جامعه مسلمانان و آرام ساختن اوضاع متوجه سازد.

### گردهمایی انصار

در همین حال که پیکر مطهر خاتم الانبیاء (ص) بر زمین بود و بنی هاشم در غم بزرگ از دست رفتن آخرین فرستاده خدا به سوگ نشسته بودند، عده‌ای از انصار به دلیل مشاهده این رفتارها که حاکی از نوعی تحریکات سیاسی مهاجران برای تصاحب مقام جانشینی پیامبر، بود به انگیزه چاره‌جویی برای زمامداری مسلمانان، در محلی به نام سقیفه بنی ساعده تجمع نمود. آنها چنین وانمودند که تعیین جانشینی پیامبر نیز مانند دیگر امور اجتماعی با گفتگوی بزرگان قوم، امری شدنی است. پیغمبر (ص) خود هنگامی که زنده بود در کارهای بزرگ با مهاجر و انصار مشورت می‌کرد.

### به سوی محو وصیت پیامبر

در همین لحظات کسی برای ابوبکر و عمر خبر آورد که انصار به گردهمایی پرداخته‌اند تا فردی را از میان خود به زمامداری برگزینند. وی و ابوبکر چون از برپایی چنین انجمنی آگاه شدند جسد پیامبر را که برای غسل آماده می‌شد ترک کردند و بی‌آنکه به کسی چیزی گویند به انجمن انصار در سقیفه پیوستند. آن دو در میان راه به یار دیرین خود ابو عبیده بن جراح رسیدند و هر سه راهی سقیفه شدند. در آنجا سعد بن عباده، پیشوای خزرجیان، با حال بیماری و تب، میان گروهی از انصار (اوس و خزرج) نشسته بود و سخنگویی از سوی او در فضایل انصار و اولویت آنان بر مهاجران در خلافت سخن می‌گفت. معلوم نمی‌توان داشت که انگیزه اقدام سعد و اجتماع انصار در سقیفه بدون مقدمه و ناشی از ریاست‌طلبی آنان بوده، یا بر اثر اطلاعات جسته و گریخته و قراین و اماراتی که دلالت بر برخی پیش‌بینیها و مقدمه‌چینیهای سران مهاجران داشته است. آنچه منطقی‌تر می‌نماید این است که طرح چنان سخنانی از سوی انصار در آن ساعات، واکنشی در مقابله با اقدامات مهاجران باشد، نه موضع‌گیری در برابر وصایای پیامبر خدا (ص). اما هرچه بود تاریخ آنان را نخستین گروهی می‌شناسد که به طور رسمی برخلاف خواسته رسول خدا (ص) اقدام به برپایی جلسه مشورتی برای تعیین جانشین پیامبر کردند. شاید هم اگر دیگران سالها پیشتر از ایشان مرموزانه در پی همین هدف بوده‌اند، چون زیرکانه تر مقاصد خود را دنبال می‌کردند کمتر کسی توانسته است از کرده‌ایشان رد پای بر این منظور بیابد. در هر صورت تردید نیست که مهاجران به مراتب نسبت به انصار از اطلاعات و تجارب اجتماعی و سیاسی بیشتری برخوردار بوده‌اند. به همین سبب در آن نشست انصار از مهاجران شکست خوردند. غیر از اینکه به موجب همان اقدام علنی بر خلاف فرموده رسول خدا (ص) برای همیشه از رسیدن به خلافت محروم ماندند. با این همه نمی‌توان انکار کرد که حرکات مرموزانه برخی مهاجران عامل مهمی در اقدام انصار بوده است. آن حرکات تا آنجا که از نگاه تاریخ مخفی نمانده به قرار زیر است: - تخلف بعضی از مهاجران از همراهی با لشکر اسامه به رغم تاکید پیامبر بر اعزام هرچه سریعتر آن. جلوگیری از نوشتن وصیت پیامبر - انکار وفات پیامبر از سوی عمر - پیشگوییهای پیامبر در باره محروم گشتن انصار از حقوق اجتماعی خود و روی آوردن سیاهی آشوبها در آینده نزدیک. [۱۰] این

امور انصار را واداشت تا نسنجیده برای حفظ موقعیت و منافع خود به دست خویش زمینه‌ساز شکل‌گیری بزرگترین فتنه در سراسر تاریخ اسلام گردند و شکافی در اجتماع مسلمانان پدید آورند که هرگز به هم نیاید.

## جزئیات رویداد

در سقیفه نخست انصار در فضل خود سخن گفتند و آنگاه عمر بن خطاب به مخالفت با ایشان پرداخت و خلافت را حق مهاجران برشمرد. چون گفتگوها به خشونت گرایید ابوبکر پیش شتافت و خودفصلی در بیان فضایل مهاجران ایراد کرد و با زبانی نرم رای را با استفاده از اختلاف دیرینه دو قبیله بزرگ در مدینه (اوس و خزرج) به مهاجران اختصاص داد. پس از این گفتار بعضی بدین راضی شدند که کار حکومت با شرکت هر دو دسته مهاجر و انصار انجام شود و گفتند: از ما امیری و از مهاجران امیری. لیکن ابوبکر این رای را نپذیرفت و گفت: چنین اقدامی وحدت مسلمانان را برهم خواهد زد. امیر از ما و وزیران از انصار انتخاب شود و بدون مشورت آنان کاری صورت نگیرد. [۱۱] او روایتی از پیغمبر (ص) نقل کرد که الائمه من قریش. این روایت با آنکه به طور کامل ذکر نشد، سخنی بود که در چنان مجمع اثری بزرگ به جا گذاشت و به دعوی انصار پایان داد. به نظر می‌رسد دشمنی دیرینه دو قبیله انصار، (اوس و خزرج) نیز در پیشبرد نظر مهاجران بی‌تاثیر نبوده است، چه بر فرض که امارت به انصار می‌رسید هیچ یک از این دو قبیله راضی به ریاست قبیله دیگر نبود. چون زمامداری مهاجران و قریش مسلم شد، گفتگو بر تعیین شخص به میان آمد. آنها که در آن مجلس کار را در دست داشتند هر یک به دیگری واگذار می‌کردند. سرانجام عمر و ابو عبیده جراح، ابوبکر رابه ریاست پذیرفتند و با او بیعت کردند. در همین هنگام فریادها به موافقت و مخالفت بلند شد. طبری نقل می‌کند که حتی بعد از بیعت عمر با ابوبکر هنوز جمعی از انصار بودند که به این تصمیم اعتراض داشته، بانگ برآوردند: «ما جز با علی با هیچ کس دیگر بیعت نخواهیم کرد.» ولی این فریاد و فریادهای دیگر در آن آشوب گم شدند. بعد از عمر و ابو عبیده، مهاجران حاضر با ابوبکر بیعت کردند. [۱۲] دو گروه انصار چون خود را شکست خورده دیدند هر یک در از دست ندادن آخرین موقعیت، در بیعت با ابوبکر نسبت به هم پیشدستی کردند. اوسیان گردن به فرمان رهبر قریشی را مطلوب‌تر و مفیدتر از این می‌دانستند تا اینکه بگذارند رئیس قبیله رقیب (خزرج) بر آنها حکمرانی کند. از همین رو در میان ایشان اولین کسی که با ابوبکر بیعت کرد، سعد بن حضیر (یکی از رؤسای اوس) بود. [۱۳] سرانجام سیاست گروهی و رقابتهای طایفه‌ای ابوبکر را قادر به مطالبه بیعت از اکثر مردم کرد. از طرفی رقابتهای طایفه‌ای در میان قریش و بخصوص در میان مهاجران، قبول رهبری ابوبکر که مردی از تیره کم‌اهمیت بنو تیم بن مره بود آسانتر ساخت. بنو تیم هرگز در جنگ قدرت و تعارضات سیاسی که قبایل رقیب قریش (همچون بنی امیه و بنی هاشم و بنی مخزوم) را به ستوده آورده بود، در گیر نبوده‌اند. از طرف ابوبکر از اعتبار خاصی برخوردار بود و در زیادی سن و برقرار ساختن رابطه نزدیک با پیامبر در پی تزویج دخترش با پیامبر (ص) و اظهار حمایت از اسلام از ابتدای رسالت، جلوه‌ای کسب کرده بود. بر پایه مآخذ ابوبکر و عمر از زمان بسیار دور اتحادی را تشکیل داده بودند که ابو عبیده جراح عضو سوم آن بود. این سه نفر اهمیت و نفوذ چشمگیری در شرافت اسلامی نوظهور و نیز در سیاست گروهی علیه حکومت اشرافی مکه کسب کرده بودند.

## زمامداری با پنج رای موافق

پس از جدالهای لفظی و مشاجره، ابوبکر با پنج رای به عنوان خلیفه رسول الله انتخاب شد. اجتماع کنندگان هنوز پراکنده نشده بودند که عده‌ای سواره و پیاده در شهر خودنمایی کردند. قبیله بنی اسلم که وابسته مهاجران بودند، وارد مدینه شدند، به آن سان که کوچه‌ها را پر کردند و با ابوبکر بیعت نمودند. [۱۴] شیخ مفید به روایت از ابو مخنف آورده است که بنی اسلم برای تهیه خواربار به مدینه آمده بودند. به آنان گفته شد: اگر به ما یاری دهید که برای جانشین پیامبر (ص) بیعت‌ستانیم، به شما خوار و بار می‌دهیم. پس

بنی اسلم به امید دریافت خوار و بار به یاری برخاستند، تا آنجا که هر کس را که از بیعت خودداری می‌کرد با ضرب و زور بدین کار مجبور می‌ساختند. [۱۵] بی‌سبب نبود که عمر می‌گفت: من تا بنی اسلم نیامده بودند به پیروزی اطمینان نیافتم. [۱۶].

### تأکید بر بیعت گیری

در آن هنگامه دیگر جای هیچ اقدام مخالفی که بتواند به نتیجه انجامد وجود نداشت. کمترین مخالفت با شدیدترین پاسخ و شوم‌ترین کشتار و اختلاف مواجه می‌شد. تا اینجا به خوبی معلوم بود که آن گفتگوها و مشورت‌های سران قبایل، نظر عمومی مسلمانان مدینه رادر بر نداشت و آنان هیچ فرصت اندیشه در این باره نداشتند و مخالفان نیز با تهدید و تطمیع سکوت کرده‌اند. نیز با مطالعه متن گفتگوها و دقت در استدلال‌های طرفین، آنچه که معیار تعیین حق اولویت خلافت مطرح و بر آن تأکید و توافق می‌شود و بر همان اساس «ابوبکر» خلیفه می‌گردد، مساله خویشاوندی و نسب با پیامبر (ص) می‌باشد. اما به راستی آیا طبق این معیار کسی شایسته‌تر از ابوبکر یافت نشد؟ ابوبکر خود در فردای آن روز این پرسش را پاسخ گفت. وی به مسجد پیامبر آمد و عمر خطبه‌ای در فضیلت و سبقت او در اسلام و یاری وی از دین و همراهی‌اش با پیغمبر (ص) از مکه به مدینه خواند و از مردم خواست با او بیعت کنند. مردم نیز جز عده‌ای از انصار [۱۷] و خویشاوندان پیغمبر (ص) بیعت با او را پذیرفتند و ابوبکر به طور رسمی به خلافت رسید. او در آن مجلس خطبه‌ای خواند و در ضمن آن گفت: مرا که برای زمامداری برگزیده‌اید بهترین شما نیستم حاضریم این مسؤلیت را از گردن خود بردارم. من در کار خود و اداره امور مسلمانان به کتاب خدا و سنت رسول خدا رفتار خواهم کرد. جز آنکه همراه پیامبر فرشته‌ای بود که او را از گناه و خطا بازمی‌داشت اما آگاه باشید که مرا شیطانی است که گاهی مرا فرو می‌گیرد. هرگاه پیش من آمد از من بپرهیزید. [۱۸] با بیعت مردم با ابوبکر کارت تعیین زمامدار به ظاهر پایان یافت. اما از آن زمان تا حال و آینده این پرسش باقی است که چرا در چنان مجلس مشورت که سرنوشت مسلمانان تعیین می‌شد، خاندان حضرت محمد (ص) را در زمره مشاوران به حساب نیاورند؟ برای آشوبگران سقیفه کاملاً هویدا بود که فراخوانی خاندان پیامبر اکرم به آن مجلس، مانع از پیشبرد اهداف آنان است. زیرا در آن صورت ایشان حقایقی از فرمایش‌های رسول اکرم (ص) را که گویای منزلت خود بود به یاد مردم می‌آوردند و توطئه‌ها خنثی می‌شد. به همین منظور بازیگران سقیفه برای این کار بهترین زمان ممکن را انتخاب کردند تا اهل بیت به موجب اشتغال به مراسم تجهیز پیامبر (ص) فرصت حضور نیابد.

### خاندان پیامبر را به شور نطلبیدند

این پرسش که چرا در سقیفه خاندان وحی را به شور نطلبیدند در همان زمان نیز از سوی برخی مطرح شد. اما پاسخی که از طرف گردانندگان حکومت ارائه می‌شد این بود که این حرکت تصمیمی از پیش طراحی شده نبود بلکه ناخواسته و به یکباره اتخاذ شده است. صمیمی‌ترین یار ابوبکر، خلیفه دوم، بعدها گفت: انتخاب ابوبکر برای زمامداری کاری ناخواسته و نااندیشیده بود که خود جوش پیش آمد اما خداوند آثار زیانبار احتمالی آن را پیشگیری کرد. [۱۹] او این سخن را پس از وقتی بیان کرد که این زمزمه در میان مردم رواج یافته بود که: اگر خلافت برای ابوبکر به تعیین پیامبر (ص) نبوده و با رای تنی چند از افراد، استوار شده است پس هم اینک نیز مردم حق دارند با رای به مراتب افزون‌تر، دیگری را به زمامداری برگزینند.

### طراحی توطئه از قبل

جز دلایل و قراینی که پیشتر بر شمردیم شواهدی نشان می‌دهد که آن تصمیم با توطئه قبلی صورت گرفته است و گرنه برای گروهی اندک چگونه زمینه و امکان کودتایی این چنین وجود داشته است؟! برخی شواهد بر توطئه بودن آن غایله به قرار زیر است: الف- در

آیه‌ای از قرآن در هشدار الهی به پیامبر (ص) چنین می‌خوانیم: (و من اهل المدینه مردوا علی النفاق لا تعلمهم) [۲۰] یعنی هم اینک در شهر تو مدینه از کسانی که به ظاهر اسلام آورده‌اند هستند کسانی که بر نفاق خویش باقی‌اند (آنان که بر نفاق خو گرفته‌اند و دمی از روی حقیقت به تو ایمان نیاورده‌اند) غیر از آنکه نفاق ایشان چنان زیرکانه است که اگر ما آنها را به تو معرفی نکنیم هیچ‌گاه آنان را باز نشناسی! ب- تلاش عمر و ابوبکر برای تصدی امامت نماز به جای پیامبر (ص) در ایام بیماری آن حضرت [۲۱] ج- گفتار امام علی (ع) به عمر که «شیر خلافت را بدوش که برای تو نیز نصیبی خواهد بود. امروز زمام آن را محکم برای ابوبکر در دست گیر، تا فردا در اختیار تو باشد.» [۲۲] د- نامه معاویه به محمد بن ابی‌بکر و اشاره به همدستی ابوبکر و عمر بر ضد علی (ع) و غضب خلافت. [۲۳] ه- واگذاری خلافت از طرف ابوبکر به عمر و سخن عمر پس از مضروب شدن به دست ابو لؤلؤ که اگر ابو عبیده زنده بود، او را به جانشینی برمی‌گزیدم. [۲۴] در برخی از روایات نیز به این زمینه‌چینی که ریشه در گذشته (زمان رسول اکرم-ص-) داشته تصریح شده است. [۲۵] حوادث بعد آشکار نمود که انتخاب خلفا در عهد هر سه خلیفه بر اساس آن بود که خلافت در خاندانهای قریش به جز خاندان بنی‌هاشم به گردش درآید. و در اجرای این سیاست، قریشیان، اول «ابوبکر» را از تیره تیم و سپس «عمر» را از تیره عدی، و پس از او «عثمان» را از تیره بنی‌امیه، برای خلافت انتخاب کردند. خلفا بر پایه همین مقصد و سیاست، انصار و بنی‌هاشم را از صحنه سیاست دورنگاه داشتند و به هیچ وجه ریاست ارتش در فتوحات و حکومت‌شهرهای اسلامی را به آنان واگذار نکردند.

## پاورقی

- [۱] الکامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۷.
- [۲] الاصابه، ابن حجر، ج ۸، ص ۱۲۴؛ تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۲۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۷، ص ۱۷۷، ج ۱، ص ۱۵۹.
- [۳] در ایام خلافت ابوبکر سپاه اسامه راهی شام شد و نوشته‌اند آنان پس از چهل یا هفتاد روز به مدینه باز گشتند.
- [۴] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۸۶؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۲.
- [۵] شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۹۷.
- [۶] مسند احمد ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۵۶؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۱۷، ۲۴۲، ۲۴۵؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹۲ و ۱۹۳. ابن ابی‌الحدید در تایید نظر شیعه می‌گوید: می‌توان احتمال داد که فرا خواندن اسامه از اردوگاه و جلوگیری از حرکت سپاه وی توسط برخی از همین حاضران پیرامون بستر پیامبر، به قصد اعمال برخی از اغراض انجام گرفته باشد. (شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲-۹۰).
- [۷] شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۰؛ المراجعات، ص ۲۷۵ و ۲۷۶؛ ملل و نحل شهرستانی، مقدمه چهارم، ص ۲۹.
- [۸] الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۳ و ۲۴۴؛ چاپ بیروت.
- [۹] صحیح بخاری، ج ۸، ص ۹؛ و ج ۴، ص ۸۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۲۵؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۴. ۱۰- سوره نجم، آیه ۳ و ۴. دلایل و مدارک این پندار را در مباحث بعدی خواهیم آورد. ۱۱- الطبقات، ج ۲، ص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۴۳؛ حلبی، ج ۳، ص ۳۹۰ و ۳۹۱. ۱۲- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۵؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۰-۲۰۳؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۷۰؛ انساب الاشراف بلاذری ج ۱، ص ۵۸۱. ۱۳- شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۶۲۱۵۹. ۱۴-؟ ۱۵- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۲، ص ۲۴۲، ۲۴۵. ۱۶- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۵؛ ابن ابی‌الحدید، «زمانی که عمر از مرگ رسول خدا مطلع گردید از شورش و انقلاب مردم در مساله امامت به هراس افتاد. او می‌ترسید انصار یا دیگران رشته حکومت را به دست گیرند. به ناچار مصلحت در این دید که مردم را به هر نحوی که ممکن است ساکت و آرام کند، به خاطر همین بود که گفت آنچه را گفت، و مردم

را در شك و تردید نگاه داشت تا حریم دین و دولت محفوظ ماند. همه اینها بود تا زمانی که ابوبکر رسید.» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲۹).

[۱۰] صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۶ به بعد؛ المغازی واقدی، ج ۲، ص ۱۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۰.

[۱۱] این وعده هیچ گاه تحقق نیافت.

[۱۲] تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۸۱۸.

[۱۳] الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۷۲.۲۱.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۵.

[۱۵] الجمل، شیخ مفید، ص ۵۹؛ لامنس بااستناد بر مطالب تاریخ ابن فرات نوشته است این گروه سه نفره (ابوبکر، عمر، ابو عبیده) از همکاری بنی اسلم مطمئن شده بودند (ص ۱۴۲، حاشیه ۷).

[۱۶] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۲۲.

[۱۷] از گروه بیعت نکردگان، سعد بن عباد رئیس قبیله خزرج که از بیعت با ابوبکر سر باز زد، هیچگاه در نماز او حاضر نشد. در روزگار خلافت عمر به زخم تیر از پا درآمد. جز سعد، علی (ع) و بنی هاشم و چند تن دیگر از صحابه نیز تا مدتی از بیعت با ابوبکر سر باز زدند.

[۱۸] طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۱۲، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۲۳، الامامه، ج ۱، ص ۱۶.

[۱۹] سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۸؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۵.

[۲۰] سوره توبه، آیه ۱۱۰.

[۲۱] مسند احمد، ج ۱؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹۰.

[۲۲] ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۱.

[۲۳] مسعودی، مروج، ج ۳، ص ۲۱ و ۲۲.

[۲۴] ابن سعد، ج ۳، ص ۴۱۳.

[۲۵] مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۰.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

